



نوع مقاله: پژوهشی
دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۷ - پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱

تحلیل حقوقی جایگزین‌های الزامی حبس با نگاهی به دیدگاه‌های قضایی

فرید محسنی

استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

✉ anabestani.mahdi77@gmail.com

✉ مهدی عنابستانی

قاضی دادگستری، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

چکیده: سیاست جنایی نوین ایران در پرتو قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، با هدف اصلاح بزهکاران و مقابله با تورم جمعیت کیفری، گذار از کیفر حبس به سوی جایگزین‌های حبس را مورد توجه قرار داده است. با این حال، اعمال و اجرای جایگزین‌های الزامی با چالش‌های تفسیری، ابهامات اجرایی و تزاخم با سایر قوانین مواجه است. از جمله این موارد عبارتند از: ماهیت مستقل یا ارفاقی جایگزین‌های حبس، ابهام در مفهوم «حبس کوتاه‌مدت»، دایره شمول ماده ۶۹ ق.م.ا، تفسیر رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، تعامل موارد الزامی جایگزین‌ها با قوانین خاص از جمله قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، محدود بودن دامنه شمول موارد جایگزین‌های الزامی و دیگر مواردی که به تفصیل در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با نگرشی کاربردی و بازتعریف مفاهیم بنیادین، به واکاوی مبانی قانونی و رویه قضایی (شامل نظریات مشورتی، نشست‌های قضایی و دادنامه‌ها) پیرامون مواد ۶۵ تا ۶۹ ق.م.ا می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جایگزین‌های الزامی حبس، از ماهیت یک کیفر اصلی و مستقل برخوردارند و اعمال آن‌ها تکلیفی آمره برای مقام قضایی است و منوط به گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی‌باشد. افزون بر آن، در خصوص چالش‌های ماده ۶۹ ق.م.ا و ممنوعیت‌های ماده ۷۱ ق.م.ا، رویه قضایی غالب بر آن است که جرایم را از حوزه مجازات‌های جایگزین حبس خارج نماید و در نهایت برای کارآمدسازی این نهاد، علاوه بر نیاز به تغییر رویکرد مقنن در توسعه جایگزین‌های حبس، قضات نیز با بهره‌گیری از ظرفیت‌هایی نظیر تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا و تفاسیر صحیح قانونی از مواد فصل نهم از قانون مجازات اسلامی می‌توانند الزام قانونی حبس‌زدایی را در حبس‌های کوتاه مدت محقق سازند.

واژگان کلیدی: جایگزین حبس، حبس کوتاه مدت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، رویه قضایی

استناد: محسنی، فرید و عنابستانی، مهدی. (۱۴۰۴). تحلیل حقوقی جایگزین‌های الزامی حبس با نگاهی

به دیدگاه‌های قضایی. دوفصلنامه رویه قضایی، ۱ (۲)، ۱۴۹-۱۷۴.

<https://doi.org/10.22034/juris.2026.2078769.1054>

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

سیاست جنایی نوین در دهه‌های اخیر، تمرکز خود را بر اصلاح و بازاجتماعی شدن بزهکاران و کاهش استفاده از کیفر حبس، به ویژه در جرایم خرد قرار داده است و یکی از مهم‌ترین نتایج تلاش‌های مزبور، توسعه کاربست جایگزین‌های حبس به ویژه در «حبس‌های کوتاه‌مدت»^۱ بوده است.^۲ پیشینهٔ تقنینی نظام حقوقی ایران نیز نشان می‌دهد قانون‌گذار از امکان تبدیل کیفر حبس در امور خلافی و سایر حبس‌های تا دو ماه به جزای نقدی (مصوب ۱۳۰۷/۲/۲۶ مجلس شورای ملی) به موظف نمودن دادگاه‌ها به تبدیل حبس‌های کمتر از ۶۱ روز به جزای نقدی در ماده ۱۱ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ رسید. بعد از انقلاب اسلامی نیز رویکرد تبدیل مجازات حبس، مورد توجه مقنن قرار گرفت به صورتی که در ماده واحده قانون برنامهٔ اول توسعه (مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مصوب مجلس شورای اسلامی) حبس‌های تا سه ماه و نیز کلیه حبس‌های تخلفات رانندگی به جزای نقدی تبدیل گردید و در سال ۱۳۷۱ در ماده ۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیز تبدیل اختیاری حبس‌های تا دو سال به سایر مجازات‌ها پیش‌بینی گردید و دو سال بعد از آن مقنن در بندهای یک و دو ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ تبدیل الزامی حبس‌های تا سه ماه و جرایم موضوع تخلفات رانندگی و نیز تبدیل اختیاری حبس‌های با کمینهٔ کمتر از سه ماه و یک روز به جزای نقدی را مورد توجه قرار داد.

کاربست تفصیلی جایگزین‌های خاص حبس در رویکرد مقنن در سال ۱۳۹۲ و در مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی نمود ویژه‌ای پیدا نمود که این اقدام، تحولی بنیادین در کاربست این نوع از کیفرها به حساب می‌آید^۳ و مقنن در آخرین رویکرد خود در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ قلمرو مجازات‌های جایگزین حبس را توسعه بخشید. با تأملی بر رویکرد جدید مقنن

1. Short-term Imprisonment

۲. از جمله اقدامات تحقیقاتی کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد (CCPCJ) «راهنمای اصول بنیادین و رویه‌های امیدبخش در زمینهٔ جایگزین حبس»، «راهنمای استراتژی‌های کاهش ازدحام در زندان‌ها» و «درمان و مراقبت از افراد مبتلا به اختلال مصرف مواد در تماس با سیستم عدالت کیفری، جایگزین‌های مجازات» بوده است. همچنین می‌توان به قوانین حداقل استانداردهای سازمان ملل متحد برای اقدامات غیرحبس (قوانین توکیو)، اصول اساسی استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در امور کیفری، قواعد حداقل استانداردهای سازمان ملل متحد برای اداره عدالت نوجوانان (قوانین پکن)، قطعنامه (۷۶) ۱۰ دربارهٔ برخی اقدامات جزایی جایگزین حبس صادره در سال ۱۹۷۶ را به عنوان تلاش‌های بین‌المللی در خصوص جایگزین‌های حبس بیان نمود.

۳. برای مطالعهٔ بیشتر در خصوص اقسام جایگزین‌های عام و خاص در قانون مجازات اسلامی ر.ک: یوسفی‌نژاد و آقاجانی، ۱۳۹۶.

در الزامی کردن کیفرهای جایگزین و نیز ظهور جایگزین‌های الزامی مطلق و جایگزین‌های الزامی مشروط در سال ۱۳۹۲، توجه به ماهیت این نوع از کیفرها، چگونگی اعمال و اجرای جایگزین‌های الزامی و نیز بررسی شرایط عمومی و اختصاصی موارد الزامی آن ضروری است.^۱

با وجود ماهیت قاطع این الزام، در عمل و در مواجهه با فروض قضایی متعدد، ابهامات و تعارضاتی در شیوه اجرای مواد مذکور از قانون مجازات اسلامی رخ داده است که اجرای یکپارچه سیاست حبس‌زدایی را با چالش مواجه ساخته است که پژوهش حاضر در تلاش است با نگاهی کاربردی به بررسی مصداقی اعمال موارد الزامی جایگزین (جرایم درجه هفت و هشت) و نیز موارد تعارض آن با سایر قوانین بپردازد. روش پژوهش در این مقاله، تحلیلی - توصیفی با رویکرد کاربردی است. داده‌های اصلی این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای، قوانین موضوعه، مجموعه نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه، نشست‌های قضایی و دادنامه‌های مرتبط جمع‌آوری شده است و هدف اصلی از این روش، تحلیل استدلال‌های قضایی موجود و ارزیابی انطباق آن‌ها با اصول حاکم بر سیاست جنایی تقنینی است تا در نهایت، به تبیین دقیق قلمرو و الزام‌های قانونی و ارائه راهکارهای وحدت رویه منتهی شود.

در سال‌های اخیر آثار متعددی در موضوع جایگزین‌های حبس به رشته تحریر درآمده است که می‌توان آن‌ها را به سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد. دسته نخست، آثاری هستند که ضمن تبیین مبانی نظری به موانع اعمال این نوع از کیفرها پرداخته‌اند؛ دو تن از نویسندگان در پژوهش خود ضمن بررسی دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی جنایی به فرآیند ظهور کیفرهای جایگزین حبس پرداخته‌اند و با تحلیل آماری آرای صادره به این پرسش پرداخته‌اند که «چه عواملی موجبات استفاده و یا عدم استفاده از این دست مجازات‌ها را فراهم می‌آورد؟» (غلامی و خاکسار، ۱۳۹۸) و در اثر دیگر خود به بررسی اثرپذیری سیاست جنایی قضایی ایران از سیاست جنایی تقنینی در مجازات‌های جایگزین حبس پرداخته‌اند و عدم درک درست قضات نسبت به اهمیت، ضرورت و اهداف جایگزین‌های حبس، همچنین مشکلات اجرایی و کمبودهای سخت‌افزاری را دلیلی بر فاصله معنادار میان این دو سیاست جنایی دانسته‌اند (خاکسار و غلامی، ۱۳۹۷). همین رویکرد در اثر پژوهشی دیگر با تمرکز بر خدمات عمومی رایگان به عنوان یکی از مصادیق جایگزین حبس نیز مشهود است (متین‌پارسا و موذن زادگان، ۱۴۰۱). دسته دوم، آثاری هستند که ضمن بررسی نگرش

۱. در خصوص نقش نهادها و تأثیر سیاست جنایی مشارکتی بر اعمال و اجرای مجازات‌های جایگزین حبس ر.ک: عنابستانی، ۱۴۰۳.

نظام قضایی به این نوع از کیفرها به آسیب‌شناسی اجرای آن پرداخته‌اند (اسدی، ۱۳۹۶؛ موذن زادگان و متین پارسا، ۱۴۰۰ و ناظرزاده کرمانی و امامی غفاری، ۱۳۹۳) و دسته سوم آثاری هستند که تلاش نموده‌اند به تحلیل حقوقی مواد فصل نهم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بپردازند (توجهی، ۱۴۰۲ و احمدزاده، ۱۴۰۱).

با بررسی پیشینه پژوهش، وجود خلأ یک مطالعه منسجم که چالش‌های الزامی بودن این مجازات‌ها را در ترازوی نظریات قضایی و دکترین بررسی نماید، به وضوح احساس می‌شود. وجه تمایز و نوآوری اصلی پژوهش حاضر نسبت به آثار پیشین، در اتخاذ رویکردی کاربردی و رویه‌محور است با این توضیح که این پژوهش با تحلیل و تفسیر مواد قانونی، بر محور نظریات مشورتی، نشست‌های قضایی و دادنامه‌های صادره استوار گردیده است و دیگر جنبه نوآورانه این تحقیق نیز، بازتعریف مفاهیمی است که مؤثر بر نوع تحلیل حقوقی از کیفرهای جایگزین است. بهره‌گیری از تحلیل‌های کمی و آماری جهت بازتعریف مفهوم «حبس کوتاه‌مدت» از جمله نوآوری پژوهش حاضر است؛ امری که تا پیش از این تنها به صورت کلی و کیفی در ادبیات حقوقی مطرح شده بود.

۱. مفهوم و ماهیت جایگزین‌های الزامی حبس

۱-۱. مفهوم جایگزین‌های الزامی حبس

«جایگزین حبس»^۱ در سند «قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای تدابیر غیر سلب آزادی»^۲ که به «قواعد توکیو» شهرت دارد؛ به تدابیری اختصاص یافته است که بدون سلب آزادی شخص (حبس)، امکان نظارت بر مجرم و اصلاح رفتار مجرمانه را فراهم می‌کند. در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی نیز تعریف معینی از مفهوم این نوع از کیفرها بیان نشده است و صرفاً به بیان مصادیق و برخی از ویژگی‌های آن بسنده شده است.

به همین منظور پژوهشگران برای تعریف جامع از جایگزین حبس به بررسی مفاهیمی از جمله «جانشین»، «بدل» و «جایگزین» پرداخته‌اند، با این توضیح که «جانشین» را انسان (یا موجود) زنده‌ای می‌دانند که از طرف مرده، غایب یا ناتوان و یا در راستای شرایط تفویض عهده‌دار امور دیگری است و «جایگزین» را در خصوص موجودات فاقد حیات (اعم از حقیقی یا اعتباری) قابل استعمال می‌دانند و بر خلاف موضوع جانشین، آن را بیشتر تابع قرارداد و وضع می‌دانند (توجهی، ۱۴۰۲:

۱. معادل Alternatives to Imprisonment برای مجازات‌های جایگزین حبس به کار می‌رود اما به نظر

می‌رسد معادل Alternatives to Incarceration در متون جرم‌شناسی رایج‌تر است.

2 United Nations Standard Minimum Rules for Non-custodial Measures

(۴۲۱) و «بدل» را در مواردی به کار می‌برند که چیزی جای دیگری را که از بین رفته و دیگر وجود ندارد، بگیرد و تفاوت آن با «جایگزین» را در این می‌دانند که «بدل» دارای ثبات و غیرقابل تغییر است و جای چیزی را می‌گیرد که به کلی از بین رفته است، برعکس مفهوم «جایگزین» که جای چیزی را می‌گیرد که از بین نرفته و موجود است (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۶).

با این توضیح از مفاهیم مذکور، حکم به جزای نقدی مقرر در ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف معین در آن مصوب ۱۳۷۳ را از موارد بدل دانسته‌اند که به جای حبس نشسته است (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۲۱) و در خصوص جایگزین‌های حبس بیان می‌دارند: «آنچه اصیل و واقعی است همان مجازات حبسی است که در خصوص جرم ارتكابی وجود دارد و در عمل تمام آثار و احکام حبس در خصوص جایگزین‌ها نیز جاری می‌گردد.» (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۸).

با تأملی بر رویکرد مقنن در وضع کیف‌های جایگزین حبس به نظر می‌رسد قانون‌گذار درصدد آن بوده است که حداقل در موارد پنج‌گانه جایگزین الزامی، کیفر حبس را از اعتبار زائل نماید و دادگاه را مبتنی بر یک قاعده مطلق ملزم به صدور جایگزین‌های حبس نماید و از این رو جایگزین‌های حبس ماهیتی «تبدیلی» دارند. ممکن است بیان شود که مقنن در ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی تعیین مدت مجازات حبس در کنار مجازات جایگزین را الزامی نموده و نشان از ماهیت «جایگزینی» این نوع از کیفرها دارد. در پاسخ به این استدلال بیان می‌شود که در تبدیل حبس به جزای نقدی مقرر در ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت که آن را مصداقی از «بدل» کیفر حبس می‌دانند اگر شخص محکوم علیه، جزای نقدی را پرداخت نکند مستند به ماده ۵۲۹ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و مواد ۲۷ و ۲۸ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ نیز با رعایت شرایطی، جزای نقدی به حبس تبدیل می‌گردد. آیا می‌شود استدلال نمود که در این فرض نیز اصالت با کیفر حبس است؟ به نظر می‌رسد این استدلال که مجازات‌های جایگزین حبس در صورت شرایط ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی می‌تواند به حبس تبدیل گردد و بنابراین ماهیتی «تبدیلی» ندارند، حداقل در موارد الزامی جایگزین، عاری از ایراد نمی‌باشد و به تعبیر یکی از نویسندگان، «ناآل شدن به مقصود قانون‌گذار در گرو آن است که نسبت به مجازات‌های حبس حسب مورد در دو قالب الزامی و الزامی مشروط نهاد بدل، مورد کاربست مقنن قرار گیرد تا امکان بازگشت این مجازات‌ها و اجرای آن‌ها، به کلی منتفی گردد.» (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۲۲) توجه به همین موضوع در بررسی دو دادنامه قضایی مشهود است، با این توضیح که شعبه ۱۱۵۹ دادگاه کیفری دو تهران در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۸ در خصوص اتهام خانم م.ح دایر بر ایراد صدمه بدنی غیر عمدی حکم به پرداخت جزای نقدی به عنوان جایگزین حبس صادر نمود و در رأی خود مدت حبس (ماده ۷۰ ق.م.ا) را قید نکرد. شعبه ۷۰ دادگاه

تجدید نظر استان تهران در مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۸ در دادنامه خود به شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۹۱۵۰۱۱۲۸ عدم تعیین مدت حبس در حکم جایگزین را از موارد نقض حکم ندانسته و رأی دادگاه بدوی را تأیید نمود. این رویکرد در رویه قضایی نیز نشان می‌دهد که ذکر مدت مجازات حبس در دادنامه صرفاً یک تکلیف شکلی و احتیاطی است که جنبه ضمانت اجرا دارد، نه ماهیت کیفر اصلی.

۲-۱. ماهیت جایگزین‌های الزامی حبس

تبیین ماهیت جایگزین‌های حبس و تعیین رابطه آن با مجازات‌های اصلی، تبعی و تکمیلی از موارد مهمی است که پرداختن به آن، جایگاه این نوع از کیفرها را روشن می‌سازد. در همین راستا برخی از نویسندگان، جایگزین‌های حبس را به عنوان قسم چهارم از مجازات‌ها دانسته‌اند (مصدق، ۱۳۹۵: ۳۱۷ و حیدری، ۱۳۹۴: ۷۱). در مقابل برخی دیگر بیان نموده‌اند که این نوع از مجازات‌های دسته خاصی از تدابیر قانونی است که ذیل مجازات‌های اصلی به صورت طولی با تقدم جایگزین‌ها، به اجرا در می‌آیند (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۲۴). همچنین آن را شبیه به اقدامات تأمینی دانسته و این نوع از کیفرها را دارای ماهیت دوگانه دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۱۶۲).

به نظر می‌رسد برای پاسخ به این پرسش که آیا کیفرهای الزامی جایگزین حبس نهادی هم‌عرض با مجازات‌های اصلی است و یا بخشی از مجازات‌های اصلی، لازم است ابتدا به موضوع ماهیت ارفاقی یا مستقل آن پرداخت. تأثیر در جایی است که اگر این نوع از کیفرها را نوعی «نهاد ارفاقی» بدانیم، امکان تخفیف مجدد آن بر اساس ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی وجود نداشته و با این نگاه کیفرهای جایگزین حبس نهادی هستند که به مثابه سایر نهادهای ارفاقی نظیر تعلیق، آزادی مشروط، نیمه‌آزادی و... در خدمت کیفرهای اصلی هستند؛ این در حالی است که اگر آن را نهادی مستقل بدانیم تخفیف در مجازات آن به عنوان یک مجازات اصلی قابل تصور است.

همین موضوع در نشست قضایی استان خراسان رضوی (شهرگناباد) در تاریخ ۱۳۹۷/۰۶/۰۷ با این پرسش که «در صورتی که دادگاه مجازات جایگزین حبس به جزای نقدی بدهد چند درجه می‌تواند تخفیف دهد؟» مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت هیأت عالی نشست قضایی چنین بیان نمود: «مجازات‌های جایگزین، تأسیسی ارفاقی است و اعمال تخفیف مجدد آن جایز نیست و دادگاه نمی‌تواند پس از تعیین مجازات جایگزین، آن را تخفیف دهد.» اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه مشورتی خود به شماره ۷/۹۶/۲۴۶۰ به تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ چنین بیان نمود: «دادگاه در هنگام صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نمی‌تواند نسبت به تخفیف در مجازات جایگزین حبس همزمان اقدام نماید.» برخی از نویسندگان نیز هم‌سو با نظرات فوق بیان نموده‌اند که تخفیف مجازات‌های جایگزین حبس صرفاً در محدوده ماده ۸۰ قانون مجازات اسلامی و در مرحله اجرای

حکم امکان‌پذیر است و تعلیق اجرای جایگزین حبس را مستند به تبصره ۴ ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی صرفاً در کیفر خدمات عمومی رایگان امکان‌پذیر می‌دانند (توجهی، ۱۴۰۲: ۵۱۷). برخی دیگر نیز هم‌سو با نظرات فوق، تخفیف ابتدایی در حکم جایگزین حبس را صرفاً در محدوده ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری و در صورت تسلیم به رأی از جانب محکوم امکان‌پذیر دانسته‌اند (احمدزاده و تام، ۱۴۰۲: ۱۳۷).

اگرچه نظرات فوق در خصوص جایگزین‌های اختیاری موجه و قابل‌پذیرش است، اما به عقیده پژوهش حاضر، این استدلال در خصوص جایگزین‌های الزامی حبس عاری از ایراد نمی‌باشد و باید میان جایگزین‌های اختیاری و جایگزین‌های الزامی به دلایل ذیل قائل به تفکیک شد:

اولاً؛ نهادهای ارفاقی ذاتاً مبتنی بر اختیار و صلاح‌دید قاضی است، اما در موارد الزامی جایگزین حبس، قاضی مکلف است که یکی از کیفرهای مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی را تعیین نماید. بنابراین در این موارد جایگزین دیگر یک ارفاق محسوب نمی‌شود بلکه تنها کیفر قابل اعمال قانونی همان کیفر جایگزین حبس است و کیفر حبس صرفاً ملاک تعیین مجازات اصلی (جایگزین حبس) است. در یکی از دادنامه‌های صادره از شعبه ۶۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۸ به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۱۵۰۲ حکم به مجازات جایگزین حبس (پرداخت جزای نقدی) صادره از دادگاه بدوی به میزان هجده میلیون ریال را مستحق تخفیف دانسته و در رأی تجدیدنظر منطبق به بند ۳۸ از ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی جزای نقدی را به پنج میلیون ریال مورد تخفیف قرار داده است. همچنین شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۸ در دادنامه خود به شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۱۹۰۱۳۱۸ تعلیق اجرای مجازات جایگزین حبس را امکان‌پذیر دانسته و حکم جایگزین را به مدت یکسال تعلیق نموده است.^۱

ثانیاً؛ این استدلال که کیفر جایگزین حبس خود یک تخفیف است و منوط به وجود جهات تخفیف منطبق به ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی است و نمی‌شود دوباره به همان جهات تخفیف مبتنی بر ماده ۳۷ حکم را تخفیف داد؛ صرفاً در خصوص جایگزین‌های اختیاری موجه است زیرا

۱. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۹۱۱۰۰۶۸۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۹ شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران و دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۲۱۱۴۸۰۱۱۷۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۴ شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز بیان نموده‌اند که دادگاه می‌تواند مجازات جایگزین حبس را تخفیف دهد و دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۸۲۵۵۱۷۰۰۰۴۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۱۳ شعبه ۶۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در رأی خود بیان نموده که تخفیف مجازات جایگزین حبس فاقد وجهت قانونی است.

در جایگزین‌های الزامی منطبق بر رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور^۱ به تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ «گذشت شاکی» و «وجود جهات تخفیف» از شرایط مجازات‌های جایگزین حبس حذف گردیده است.^۲ با عنایت به رویکرد الزام‌آور و جدید مقنن در قالب رأی مذکور، این تبدیل «اراده قانون‌گذار» بوده و نه «تخفیف مقام قضایی» و از این جهت نیازی به احراز وجود جهات تخفیف توسط قاضی نمی‌باشد. بنابراین مقام قضایی در تعیین کیفرهای جایگزین حبس از اختیار قضایی خود مبنی بر تخفیف استفاده ننموده و اختیار دارد طبق ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی جایگزین الزامی حبس که کیفر اصلی است را تخفیف دهد.^۳

ثالثاً؛ این استدلال که حکم تخفیف جایگزین حبس در ماده ۸۰ بیان شده و صرفاً در مرحله اجرای حکم امکان‌پذیر است و نمی‌شود به عمومات تخفیف توسل جست، دارای ایراد است. زیرا که ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ناظر بر مرحله صدور حکم و ماده ۸۰ قانون مجازات اسلامی ناظر بر مرحله اجرای حکم است و وجود یک نهاد ارفاقی در مرحله اجرا، نمی‌تواند اختیار قاضی را برای اعمال تخفیف در مرحله صدور سلب نماید. منطق حقوقی بیان می‌نماید وقتی در کیفر حبس (که شدیدتر است) اعمال هر دو نوع تخفیف (قضایی و اجرایی) ممکن است، در مجازات‌های جایگزین حبس نیز تخفیف در مرحله اجرا مانع تخفیف در مرحله صدور حکم نباشد.

۱. رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶: «از مجموع مقررات مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس، موضوع فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به ویژه اطلاق مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸ و ۶۹ قانون مذکور چنین مستفاد می‌گردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوق‌الاشاره الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی‌باشد. بر این اساس رأی شعبه سی و هفتم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.»

۲. اگرچه برخی از نویسندگان معتقد هستند که حذف شرط گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف شامل تمامی موارد جایگزین‌های حبس اعم از اختیاری و الزامی می‌گردد (مصدق، ۱۳۹۵: ۳۱۹؛ احمدزاده و تام، ۱۴۰۲: ۱۱۱) و برخی نیز رأی وحدت رویه مزبور را در تقابل با اراده مقنن دانسته و به علت مغایرت بودن با قانون، آن را قابل اجرا نمی‌دانند (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۸۰). به نظر می‌رسد تفسیر منطقی از قوانین در تعامل با رأی وحدت رویه آن است که رأی مذکور در جایگزین‌های الزامی لازم‌الاجرا باشد و عبارت «تعیین و اعمال جایگزین حبس در مواد فوق‌الاشاره الزامی بوده» نیز نشان می‌دهد مراد هیأت عمومی دیوان عالی کشور از حذف دو شرط ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی صرفاً در موارد الزامی جایگزین حبس بوده است و نه موارد اختیاری آن.

به دلایل ذکر شده؛ ماده ۸۰ قانون مجازات اسلامی صرفاً نهادی ارفاقی در «مرحله اجرا» است و نمی‌تواند مانع اعمال مقررات عمومی تخفیف (ماده ۳۷) در «مرحله صدور حکم» شود؛ تفسیر مخالف به این نتیجه غیرعادلانه می‌انجامد که فردی که هم‌اکنون مستحق تخفیف است (مثلاً به دلیل ندامت، حسن سابقه، کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم و...)، علی‌رغم وجود جهات مخففه در لحظه دادرسی، نادیده گرفته شود و مجبور باشد برای بهره‌مندی از ارفاق، تا مرحله اجرا صبر کند. لذا وجود این اختیار در ماده ۸۰، نافی اختیار دادگاه در اعمال تخفیف قضایی متناسب با وضعیت فعلی متهم نیست. همچنین در خصوص چگونگی نحوه اعمال تخفیف ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی می‌توان از ظرفیت بند (ث) ماده مزبور به منظور تبدیل مجازات جایگزین حبس به نوع دیگر جایگزین بهره جست.^۱

اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی خود به شماره ۷/۹۷/۱۱۳۶ مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۸ در خصوص امکان تخفیف ابتدایی مجازات جایگزین حبس متفاوت از نظریه خود در سال ۱۳۹۶ به خوبی به موضوع رأی وحدت رویه پرداخته و آن را در چارچوب رأی مذکور پذیرفته است: «علی‌الاصول دادگاه در هنگام صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نمی‌تواند هم‌زمان نسبت به تخفیف در مجازات جایگزین حبس اقدام نماید؛ مگر در موارد مشمول رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که بر اساس آن تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس، مقید به شرایط مقرر در ماده ۶۴ صدرالذکر از قبیل گذشت شاکی یا وجود سایر جهات تخفیف نمی‌باشد» و همچنین در خصوص امکان تعلیق مجازات جایگزین حبس چنین بیان نموده است که: «بر اساس مقررات موجود، هیچ‌گونه ممنوعیتی برای تعلیق اجرای مجازات‌های جایگزین حبس پیش‌بینی نشده است و اصولاً مقامات قضایی اختیار استفاده از این سازوکار قانونی را دارا می‌باشند؛ بنابراین تعلیق مجازات جایگزین حبس با رعایت شرایط مقرر با منع قانونی مواجه نمی‌باشد». همچنین به درستی در نظریه دیگر خود به شماره ۷/۹۶/۶۱۴ به تاریخ ۱۳۹۶/۰۳/۱۶ چنین بیان می‌دارد: «در مواردی مانند موارد مشمول ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که یکی از مجازات‌های جایگزین حبس تعیین می‌شود، چون در قانون مجازات اصلی، حبس نمی‌باشد، در حقیقت مجازات به عنوان جایگزین حبس تعیین نمی‌شود؛ بلکه به عنوان مجازات اصلی تعیین می‌شود و می‌تواند مشمول مقررات تخفیف و تعلیق قرار گیرد.»

۱. نظر اتفاقی نشست قضایی استان خراسان رضوی (شهرگناباد) به تاریخ ۱۳۹۷/۰۶/۰۷ مؤید همین نظر است: «با توجه به اینکه غرض قانون‌گذار تخفیف است و تخفیف مناسب به حال متهم است و در اصل با توجه به جایگزینی، مجازات همان جزای نقدی است، لذا سه درجه مناسب‌تر است.»

در نهایت با توجه به بحث صورت گرفته در ابتدای مبحث در خصوص ماهیت جایگزین حبس به نظر می‌رسد مجازات‌های جایگزین حبس حداقل در موارد الزامی آن به عنوان یکی از کیفرهای اصلی شناخته می‌شوند که دارای ماهیتی مستقل از نهادهای ارفاقی است و می‌توانند به عنوان یک کیفر اصلی شناخته شده و از شرایط قانونی آن بهره مند باشند.

۲. حبس‌های کوتاه مدت؛ بستر اصلی مجازات‌های جایگزین حبس

یکی از مفاهیم دیگری که به تبیین دقیق کیفرهای جایگزین حبس کمک می‌نماید، مفهوم «حبس‌های کوتاه مدت» است. زیرا وجود این نوع از حبس‌ها بیش از هر جهتی، استفاده از جایگزین‌های حبس را توجیه و الزامی می‌نماید. زیرا علاوه بر حضور شخص مجرم در یک جمعیت کیفری (زندان) برای مدت کوتاه نه تنها فرصتی برای اعمال تدابیر اصلاحی و درمان در زندان را ایجاد نمی‌کند بلکه زمینه‌آشنایی بیشتر با بزهکاران حرفه‌ای و سابقه‌دار را فراهم می‌نماید.^۱ یکی از نویسندگان در این خصوص بیان می‌نماید: «معایب زندان‌های کوتاه مدت به قدری زیاد است که بعضی از متخصصین فن آن را "داروی بد تر از درد" لقب داده‌اند. در این نوع حبس به علت کوتاهی مدت آن، نمی‌توان هیچ نوع رژیم تربیتی و اصلاحی معمول داشت و نه می‌توان نتیجه مهمی از آن انتظار داشت.» (صلاحی، ۱۳۹۵: ۱۱۸) به همین منظور مجرای کاربست جایگزین‌های حبس، در حبس‌های کوتاه مدت در نظر گرفته شده است (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

با این وجود مفهوم «حبس‌های کوتاه مدت» به درستی روشن نیست و تعریف جامعی از آن وجود ندارد و علت نبود تعریف دقیق در این حوزه نیز اختلاف نظر در خصوص مدت حبسی است که به عنوان کوتاه مدت در نظر گرفته می‌شود. نظام‌های کیفری به اختلاف این مدت را شش ماه، نه ماه و یک سال دانسته‌اند. با این وجود قدر متیقن مشترک تمامی تعاریف آن است که حبس‌های کوتاه مدت عموماً مجازات جرایمی نه چندان مهم و نه چندان پرخطر به شمار می‌رود. به تعبیر یکی از نویسندگان، «مفهوم حبس کوتاه مدت و زمان آن، نسبی بوده و تنها در مقایسه با حبس‌های طولانی یا نسبتاً طولانی، قابل تفکیک و شناسایی است» (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۴۲) و با ارائه همین تعریف به بیان دایره شمول حبس‌های کوتاه مدت در نظام حقوقی ایران پرداخته است: «شاید بتوان مدعی شد که در حال حاضر در کشور ما، حبس‌های درجه هفت و هشت، کوتاه مدت محسوب می‌شوند» (همان: ۴۴۲).

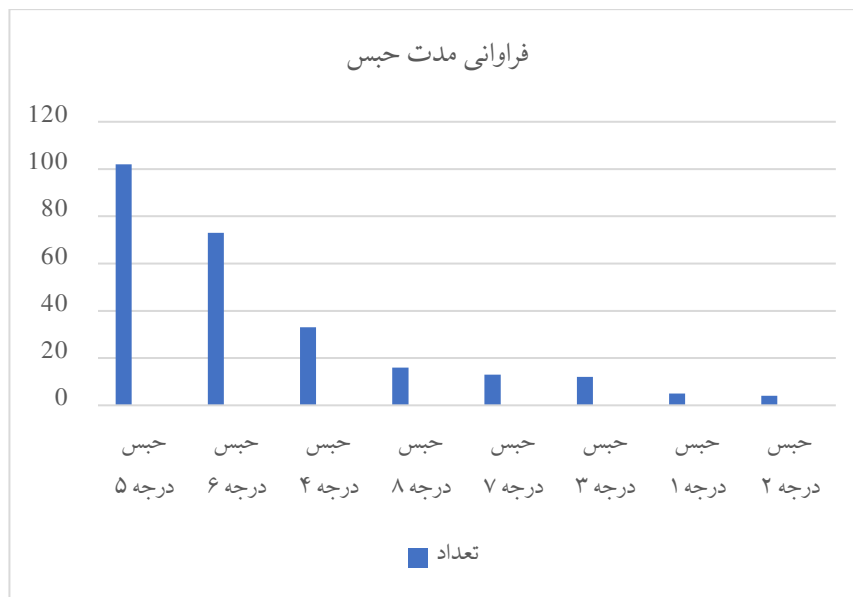
ضمن پذیرش مقدمه استدلال فوق مبنی بر نسبی بودن زمان حبس کوتاه مدت و شناسایی آن در مقایسه با زمان حبس‌های دیگر، اما به نظر می‌رسد اکتفا به تجویز امکان اعمال نهادهای ارفاقی و تعیین

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: رضوی فرد، ۱۳۹۱: ۲۰۳-۱۸۱.

کیفر درجه هفت و هشت به عنوان حبس کوتاه‌مدت، روش جامعی برای به دست آوردن میزان حبس کوتاه مدت در یک نظام حقوقی نباشد. با این توضیح که معیار حبس کوتاه‌مدت باید تابعی از اراده واقعی مقنن باشد که بهترین نشانه آن، نسبت‌های آماری کیفرهای پیش‌بینی شده در قانون است. مبنای این رویکرد، تحلیل توزیع فراوانی و مدت مجازات‌های حبس در مجموعه قوانین کیفری است، زیرا درجه شدت یک کیفر با ارزیابی جایگاه آن در طیف کلی نظام مجازات‌ها مشخص می‌گردد.

پژوهش حاضر با بررسی کیفرهای حبس صادر شده (تعداد ۲۵۸ کیفر حبس) از سوی مقنن در شش قانون مهم و پرکاربرد کیفری (قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴، قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ و قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۹) به بررسی فراوانی مدت حبس‌های مذکور به شرح جداول ذیل پرداخته است و تلاش نموده تا میزان حبس کوتاه مدت در نظام حقوقی ایران را از اراده مقنن به دست آورد.

درجه مجازات (کیفر حبس)	فراوانی	درصد نسبت به جمع کیفر
حبس درجه ۵ (بیش از دو تا پنج سال)	۱۰۲	۴۰ درصد
حبس درجه ۶ (بیش از شش ماه تا دو سال)	۷۳	۲۸/۵ درصد
حبس درجه ۴ (بیش از پنج تا ده سال)	۳۳	۱۲/۵ درصد
حبس درجه ۸ (تا سه ماه)	۱۶	۶ درصد
حبس درجه ۷ (نود و یک روز تا شش ماه)	۱۳	۵ درصد
حبس درجه ۳ (بیش از ده تا پانزده سال)	۱۲	۴/۵ درصد
حبس درجه ۱ (بیش از بیست و پنج سال)	۵	۲ درصد
حبس درجه ۲ (از پانزده تا بیست و پنج سال)	۴	۱/۵ درصد
جمع کیفرهای حبس در قوانین مذکور	۲۵۸	۱۰۰



به نظر می‌رسد با تأملی بر اراده مقنن بر تعیین کیفر حبس با توجه به جدول فراوانی فوق، تبیین جامع و دقیق از مفهوم حبس کوتاه‌مدت در نظام حقوقی ایران نیاز به یک تقسیم‌بندی چهارگانه زمانی از مدت حبس است تا حبس‌ها را به «حبس‌های بسیار کوتاه‌مدت»، «حبس‌های کوتاه‌مدت»، «حبس‌های میان‌مدت» و «حبس‌های بلندمدت» تقسیم نمود. با این توضیح که تحلیل کمی مجازات‌های حبس مقرر در قوانین، آستانه حبس کوتاه‌مدت را فراتر از درجات هفت و هشت نشان می‌دهد. طبق آمار به دست آمده، ۶۰/۵ درصد کیفرهای حبس مقرر در قوانین مذکور حبس‌های بالای درجه ۵ را شامل می‌شوند و به عبارتی حدود ۶۰ درصد کیفرها بالای دوسال حبس هستند. ۲۰/۵ درصد کیفرها بالای پنج سال و حدود ۸۹ درصد کیفرها بالای شش ماه حبس و تنها ۱۱ درصد کیفرها شامل حبس‌های زیر ۶ ماه می‌شوند. بدین منظور در این فراوانی، حبس درجه یک تا چهار با فراوانی ۲۰/۵ درصدی به عنوان «حبس بلندمدت»، حبس درجه پنج با فراوانی ۴۰ درصدی به عنوان «حبس میان‌مدت» و حبس درجه شش با فراوانی ۲۸ درصدی به نسبت به جرایم بالای درجه پنج با فراوانی ۶۰/۵ درصدی به عنوان «حبس کوتاه‌مدت» و در نهایت حبس درجه هفت و هشت با فراوانی ۱۱ درصدی به نسبت میزان فراوانی سایر درجات به عنوان «حبس‌های بسیار کوتاه‌مدت» شناخته می‌شوند.

فایده تقسیم‌بندی فوق و تبیین مفهوم «حبس کوتاه‌مدت» از این جهت است که امروزه سیاست‌گذاران تلاش می‌کنند که رویه قضایی را به سمت بهره‌گیری حداقلی، ضروری و نظام‌مند از

کیفرها به ویژه کیفر حبس هدایت کنند و از این رو ایجاد توازن و تعادل میان مدل‌های قانونی و الگوهای قضایی تعیین کیفر کاملاً ضروری تلقی می‌شود (محسنی و رحیمیان، ۱۳۹۸: ۷۶). با این توضیح اصولاً نظام‌های تقنینی در کاربست مجازات‌های جایگزین حبس به معیار ماهیت حبس کوتاه مدت توجه می‌نمایند و بعد از فهم معیار به دست آمده دایره شمول موارد الزامی و غیرالزامی جایگزین‌ها را تعیین می‌نمایند. حال آنکه اگر در تبیین مفهوم فوق دقت نظر لازم را نداشته باشیم دچار چالشی در تعیین قلمرو شمول مصادیق جایگزین‌های حبس خواهیم شد. با این توضیح که اکنون در مجموع قوانین شش‌گانه بیان شده از مجموع ۲۵۸ کیفر حبس پیش‌بینی شده تعداد ۱۶ عنوان مجرمانه مشمول کیفر جایگزین الزامی مطلق قرار می‌گیرند و تعداد ۱۳ مورد نیز مشمول کیفر جایگزین الزامی مشروط و همان‌طور که در آینده به تفصیل مورد تحلیل قرار خواهد گرفت بسیاری از عناوین مجرمانه فوق با مانع برای اعمال جایگزین حبس مواجه خواهند شد که از تعداد عناوین فوق خواهد کاست.^۱

در نهایت پژوهش حاضر با نظری ابرازی و اصلاحی نسبت به رویکرد مقنن در قبال دایره شمول کیفرهای جایگزین حبس بیان می‌دارد منطبق بر فراوانی مدت کیفر حبس در قوانین مدونه داخلی، کیفرهای تا درجه شش به عنوان «حبس‌های کوتاه مدت» در نظام حقوقی ایران شناخته می‌شوند و با تسری جایگزین‌های حبس تا این درجه از مجازات، موجب توسعه شمول نهاد کیفر جایگزین حبس به منظور بهره برداری بهتر از آن گردد.

۳. دایره شمول جایگزین‌های الزامی حبس

بررسی مواد قانونی ناظر بر مجازات‌های جایگزین حبس نشان می‌دهد مقنن در پنج مورد اعمال این نوع از کیفر را به طور مطلق الزامی نموده و در یک مورد به طور مشروط الزامی نموده است که در ادامه به بررسی آن پرداخته خواهد شد. موارد جایگزین الزامی مطلق عبارتند از ۱. جرایمی که نوع یا میزان آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است (موضوع ماده ۶۹ ق.م.ا)، ۲. ارتکاب جرم عمدی با مجازات قانونی تا سه ماه حبس (موضوع ماده ۶۵ ق.م.ا)، ۳. اعمال تخفیف مجازات حبس و تقلیل آن به کمتر از نود و یک روز (موضوع تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا)، ۴. ارتکاب جرم عمدی با مجازات

۱. ابتدا در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی در سال ۱۳۸۵، برپایه برآورد کمیته تنظیم و تدوین این لایحه، حدود ۴۶ درصد از جرم‌هایی که در قانون برای آن‌ها کیفر زندان پیش‌بینی شده بود، مشمول این لایحه قرار می‌گرفت؛ اما در پرونده‌های قضایی، بر اساس تحقیقات صورت گرفته حدود ۱۵ درصد از کل پرونده‌های مطروحه قابلیت دریافت یکی از عنوان‌های جایگزین (اعم از عام و خاص) را دارند و از همان تعداد نیز تنها یک درصد از تمام پرونده‌های موجود با چنین احکامی مواجه می‌شوند (خاکسار و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۴۱).

کمتر از ۹۱ روز در فرض عدم کیفردهی به بیش از آن (موضوع تبصره ماده ۱۸ ق.م.ا) و ۵. ارتکاب جرم غیر عمدی با پیشینه مجازات قانونی تا دو سال حبس (موضوع ماده ۶۸ ق.م.ا). همچنین تنها مورد مشروط الزامی نیز ارتکاب جرم عمدی با مجازات سه تا شش ماه حبس (موضوع ماده ۶۶ ق.م.ا) می‌باشد.

۳-۱. جایگزین‌های الزامی مطلق

۳-۱-۱. موضوع ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی

ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.» همانطور که ملاحظه می‌شود استفاده از این کیفرها در قبال مرتکبان جرایمی است که کیفر قانونی آن‌ها از سوی مقنن معین نگردیده است و از این ماده تعبیر به استفاده ابزاری از مجازات‌های جایگزین گردیده است (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۸۸). لازم به ذکر است کیفردهی مطابق ماده مذکور الزامی و به صورت مطلق بوده و مقنن در بند ب مواد ۸۳ تا ۸۶ قانون مجازات اسلامی، مقدار جایگزین حبس را مشخص کرده است.

از مصادیقی که مشمول این ماده می‌شود می‌توان به جرم ماده ۲۸ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، جرم موضوع تبصره ۵ ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۹۰، جرم ماده ۱۲ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن مصوب ۱۳۸۴، جرم ماده ۷۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴^۴ اشاره کرد. نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۱۴۰۳/۵۰، ۷/۹۹/۱۸۰، و ۷/۹۶/۱۷۴۰ مؤید مصادیق مزبور هستند.

یکی از موضوعات مورد بحث ذیل ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی آن است که در پاره‌ای از قوانین پیش از انقلاب که هنوز مجرا هستند، مجازات حبس تأدیبی پیش‌بینی شده است؛ آیا می‌توان حبس تأدیبی را منطبق با مجازات حبس تعزیری دانست و موضوع را مشمول ماده ۶۹ قانون مجازات

۱. «انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود.»

۲. «هرگونه تخلف از موضوع این قانون در تفکیک یا افراز اراضی، جرم تلقی شده و متخلفین، طبق قانون مجازات اسلامی و قانون تخلفات اداری تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.»

۳. «هرگونه تخلف از احکام موضوع این قانون به عنوان تجاوز به حقوق عمومی، جرم محسوب شده و مرتکبین علاوه بر اعاده وضع و رفع اثر از تخلفات، به مجازات مربوط برابر قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.»

۴. «مقامات اجرایی و نظارت انتخابات حق تبلیغ له یا علیه هیچ یک از داوطلبان انتخاباتی را نخواهند داشت. تخلف از این قانون جرم محسوب می‌شود.»

اسلامی دانست یا خیر. در این خصوص اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی خود به شماره ۷/۱۴۰۰/۱۰/۱۰۳ به تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ بیان می‌نماید: «حبس تأدیبی مقرر در این قوانین نیز همان حبس تعزیری است و از شمول ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که در استعلام آمده است، خارج است.» به درستی اداره حقوقی حبس تأدیبی را از موارد ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی ندانسته اما ذکر این نکته ضروری است در مواردی که حبس تأدیبی کماکان به قوت خود باقی بماند رعایت عموماًت قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان یک قانون عام لاحق در خصوص نهادهای ارفاقی و یا نهاد جایگزین حبس به قوت خود باقی است و در صورت دارا بودن شرایط الزامی جایگزین حبس، حبس‌های تأدیبی نیز می‌تواند مشمول مواد مربوط از فصل نهم قانون مجازات اسلامی گردد.

عنوان مجرمانه اعتیاد به مواد مخدر موضوع ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹ نیز از دیگر موارد اختلاف در رویه قضایی است، با این توضیح که آیا رفتار شخصی که اعتیاد به مواد مخدر دارد و فاقد گواهی عدم درمان و نیز متجاهر نسبت به اعتیاد است، واجد وصف مجرمانه می‌باشد و یا خیر. تأثیر این پرسش در جایی است که اگر رفتار مزبور واجد وصف مجرمانه باشد به دلیل عدم تعیین مجازات در قانون مزبور نسبت به این رفتار، مشمول ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی می‌شود. موضوعی که در نشست قضایی استان کرمان (شهرستان رفسنجان) در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ مورد بررسی قرار گرفت و هیئت عالی چنین بیان نمود: «اعتیاد به مواد مخدر در صورتی که معتاد متجاهر نباشد و گواهی موضوع ماده ۱۵ قانون مواد مخدر مبنی بر تحت درمان بودن وی ثابت گردد جرم نمی‌باشد.» و نظر اتفاقی نیز بر آن بود که: «با عنایت به اینکه در ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر با تحقق دو شرط نداشتن گواهی تحت درمان بودن و متجاهر به اعتیاد، رفتار ارتكابی جرم تلقی شده ولی در قانون برای آن مجازات تعیین نشده است، حسب ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردد.» به نظر می‌رسد نظر فوق با موازین قانونی و صراحت ماده هم‌خوانی دارد و بدین منظور یکی دیگر از مصادیق اعمال ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی را می‌توان رفتار مجرمانه موضوع ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر دانست.

۱. «معتادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد درمان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند. معتادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نماید، چنانچه متجاهر به اعتیاد نماید از تعقیب کیفری معاف می‌باشد. معتادانی که مبادرت به درمان یا ترک اعتیاد نمایند، مجرمند.»

۳-۱-۲. ارتکاب جرم عمدی با مجازات قانونی تا سه ماه حبس

با توجه به ماده ۶۵ ق.م.ا مرتکبان جرایم عمدی درجه ۸ الزاماً و بدون هیچ شرطی به کیفر جایگزین حبس محکوم می‌شوند. ماده مزبور بیان می‌دارد: «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.» همچنین قابل ذکر است که طبق رأی وحدت رویه ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، تعیین جایگزین‌های حبس منوط به احراز شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی (گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف) نمی‌باشد و بیان این نکته ضروریست که رأی وحدت رویه برای محاکم قضایی لازم‌الاتباع است^۱ و مصلحت‌سنجی و اجتهاد در برابر نص رأی وحدت رویه توجیه قانونی ندارد (احمدزاده و تام: ۱۴۰۲: ۱۱۰).

جدول: مصادیقی از جرایم درجه هشت

ماده قانونی	ق.گذشت	عنوان مجرمانه	نوع کیفر
ماده ۵۱۷ ق.م.ا.ت	ق.گذشت	توهین به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی	یک تا سه ماه حبس
ماده ۶۰۵ ق.م.ا.ت	غ.ق.گذشت	مجازات مامورین ادارات در اظهار نظر یا اقدام خلاف حق	حبس تا ۳ ماه یا جزای نقدی
ماده ۶۰۹ ق.م.ا.ت	ق.گذشت	توهین به مقامات دولتی	۴۵ روز تا ۳ ماه حبس یا شلاق یا جزای نقدی
ماده ۶۳۲ ق.م.ا.ت	ق.گذشت	امتناع از تحویل طفل سپرده‌شده	۴۵ روز تا ۳ ماه حبس یا جزای نقدی
ماده ۶۳۸ ق.م.ا.ت	غ.ق.گذشت	تظاهر به عمل حرام و جریحه‌دار کردن عفت عمومی	ده روز تا ۲ ماه حبس یا شلاق
تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا.ت	غ.ق.گذشت	عدم رعایت حجاب شرعی	ده روز تا دو ماه حبس یا جزای نقدی
ماده ۶۴۱ ق.م.ا.ت	ق.گذشت	مزاحمت تلفنی	از ۱۵ روز تا ۳ ماه حبس
ماده ۶۷۹ ق.م.ا.ت	ق.گذشت	کشتن عمدی حیوانات	حبس تا سه ماه یا جزای نقدی
ماده ۶۸۵ ق.م.ا.ت	ق.گذشت	تخریب اصله نخل خرما	حبس از ۴۵ روز تا سه ماه یا جزای نقدی

۱. با این حال در برخی از دادنامه‌ها مشاهده گردیده است که دادگاه از مفاد رأی وحدت رویه پیروی نمی‌کنند. برای نمونه دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۰۵۰۰۴۸۱ مورخ ۱۳۹۵/۶/۳ صادره از شعبه ۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران اعتماد دارد که وجود گذشت شاکی برای تعیین مجازات جایگزین حبس ضروری است. با توجه به آنکه مفاد پرونده مذکور از موارد الزامی جایگزین‌های حبس بوده، دادنامه مزبور با اصول حقوقی سازگار نیست.

۱۰	ماده ۷۰۰ ق.م.ا.ت	ق.گذشت	هجو و انتشار هجویه	حبس از ۱۵ روز تا سه ماه
۱۱	ماده ۷۱۶ ق.م.ا.ت	ق.گذشت	صدمات جسمی و نقص اعضا ناشی از بی‌احتیاطی	حبس از یک ماه تا سه ماه
۱۲	ماده ۷۱۷ ق.م.ا.ت	ق.گذشت	صدمات بدنی ناشی از بی‌احتیاطی	حبس از ۱۵ تا ۷۵ روز
۱۳	ماده ۷۲۳ ق.م.ا.ت	غ.ق.گذشت	رانندگی بدون گواهینامه	حبس تا ۲ ماه یا جزای نقدی
۱۴	ماده ۷۲۴ ق.م.ا.ت	غ.ق.گذشت	تغییر در دستگاه ثبت سرعت وسایل نقلیه	حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا جزای نقدی

با بررسی در عناوین مجرمانه دارای مجازات درجه هشت از کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به شرح جدول فوق، ۱۴ عنوان مجرمانه وجود دارد که می‌تواند مشمول جایگزین‌های الزامی حبس مقرر در ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی گردد. با این توضیح که با وجود بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳: «در هر مورد که در قوانین مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی می‌باشد از این پس به جای حبس یا مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال صادر می‌شود.» موارد ۱۱ تا ۱۴ جدول فوق به دلیل آنکه ذیل جرایم و تخلفات رانندگی بیان گردیده است از موارد مشمول کیفرهای الزامی جایگزین حبس خارج می‌گردد.^۱

از ۱۰ عنوان مجرمانه باقی مانده ۶ عنوان مجرمانه دیگر که در جدول فوق مشخص است، دادگاه را معیر نموده تا میان حکم حبس و یا جزای نقدی یک مورد را تعیین نماید. به نظر می‌رسد رویه در این تخییر، انتخاب جزای نقدی را فرآیندی ساده‌تر از جایگزین حبس برای محکوم می‌داند که البته با توجه به ایجاد هزینه‌های مالی و انسانی برای واحد اجرای احکام در خصوص اجرای جایگزین‌های حبس، انتخاب جزای نقدی در این تخییر دور از منطوق قضایی نمی‌باشد. با این حال توجه به این نکته ضروریست در کلیه موارد ذکر شده و نظایر آن در قوانین دیگر، در صورتی که جزای نقدی جایگزین حبس از جزای نقدی مورد نظر مقنن بیشتر باشد، دادگاه نمی‌تواند جزای نقدی را به عنوان جایگزین حبس مورد حکم قرار دهد و این چنین استدلال شده است که «برای مرتکب جرم

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۳/۵۱۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: «جرایم موضوع تخلفات رانندگی به استثنای موارد مذکور در تبصره ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مشمول بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (با لحاظ ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹) می‌باشند، لذا جزای نقدی موضوع این بند مجازات قانونی این جرایم است. (مجازات قانونی آنها توسط مقنن از حبس به جزای نقدی تبدیل شده است) و در نتیجه محلی برای تعیین مجازات جایگزین حبس در خصوص این جرایم نیست.»

حق مکتسبه‌ای ایجاد می‌شود که در صورت ارتکاب جرم و محکومیت به جزای نقدی، نباید میزان آن از کیفر در قانون بیش‌تر باشد.» (توجهی، ۱۴۰۲: ۵۰۷) در هر صورت در این نوع از کیفرها اگر دادگاه میان حبس یا جزای نقدی، اتخاذ به کیفر جایگزین حبس نماید و جزای نقدی جایگزین از جزای نقدی مقرر در قانون بیشتر باشد می‌تواند سایر انواع جایگزین‌های حبس از جمله خدمات عمومی رایگان یا دوره‌ی مراقبت را در حکم خود ذکر نماید و همچنین در ۲ عنوان مجرمانه‌ی دیگر (ماده ۶۰۹ و ۶۳۸ ق.م.ا.ت) تخییر میان کیفر حبس یا شلاق در نظر گرفته‌شده است و در صورتی که دادگاه بخواهد حکم به کیفر حبس بدهد، الزاماً باید جایگزین حبس صادر نماید و در غیر این‌صورت می‌تواند مجازات شلاق را در نظر بگیرد.

بنابراین به طور مطلق و بدون هیچ اختیاری، در ۳ عنوان مجرمانه‌ی موضوع مواد ماده ۵۱۷ ق.م.ا.ت، ماده ۶۴۱ ق.م.ا.ت و ماده ۷۰۰ ق.م.ا.ت حکم به جایگزین حبس الزامی است و هیچ اختیاری برای دادگاه از نوع تخییر با کیفر جزای نقدی و شلاق یا تبدیل آن به جزای نقدی طبق قانون وصول وجود ندارد. اگرچه ذکر این نکته از منظر آسیب‌شناسی حقوقی ضروری است که ۳ عنوان مجرمانه‌ی مذکور از جمله جرایم قابل گذشت هستند که عموماً با توجه به آنکه جرایم مزبور در صلاحیت دادگاه صلح است، منجر به گذشت شاکی و صدور قرار موقوفی تعقیب می‌گردد و همان‌طور که ذیل موضوع مفهوم «حبس کوتاه مدت» بیان گردید، مواردی که مشمول کیفرهای جایگزین الزامی حبس مقرر در ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی بشود، بسیار نادر است و از این جهت جایگزین‌های حبس به معنای واقعی نمی‌توانند اثربخشی خود را نسبت به سایر کیفرها نمایان سازند. مبتنی بر این توضیح رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور از این منظر که شرط گذشت شاکی را جهت اعمال جایگزین الزامی حبس، حذف نمود قابل ستایش است. زیرا در صورت عدم وجود رأی وحدت رویه‌ی مذکور، عنوان جایگزین الزامی مطلق در جرایم ق.م.ا.ت وجود نداشت.

یکی از موضوعات مورد اختلاف در نظرات قضایی، مقررات وضع شده در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و ارتباط آن با ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی است. با این توضیح که آیا محاکم در راستای اجرای قانون حمایت از اطفال و نوجوانان بدو یا در راستای تخفیف مجازات، مجوز صدور حکم به حبس تعزیری درجه ۸ را دارند یا خیر. نظر هیات عالی در خصوص نشست قضایی برگزار شده توسط استان فارس (شهرکوار) به تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۵ در این خصوص به درستی بیان نمود: «دادگاه در تعیین مجازات نسبت به جرایم موضوع بندهای فوق‌الذکر (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان) می‌تواند به مجازات جایگزین حبس نیز حکم صادر نماید و صدور حکم به مجازات

حبس تعزیری (بدون رعایت مجازات جایگزین حبس) صحیح نمی‌باشد.»

۳-۱-۳. اعمال تخفیف مجازات حبس و تقلیل آن به کمتر از نود و یک روز

ماده ۶ قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ مقرر داشته است: «ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود: تبصره: چنان چه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود.» به نظر می‌رسد آخرین اراده مقنن بر آن است که اگر مجازاتی به به میزان مقرر تخفیف یابد، دادگاه مکلف به صدور حکم به مجازات‌های جایگزین حبس خواهد بود.^۱ مانند مثال مجازات اصلی با اعمال ماده ۴۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری یا اعمال ماده ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی یا با اعمال ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری به حبس کم‌تر از نود و یک روز تقلیل یا تبدیل شود الزاماً حکم به جایگزین حبس صادر می‌گردد.

در خصوص تعارض احتمالی تبصره مذکور با ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی باید بیان نمود که تبصره الحاقی منحصص حکم مقرر در ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی است؛ بدین صورت که اگر حداکثر مجازات قانونی جرمی بیش از یک سال حبس باشد اگر به دلیل اعمال کیفیات مخففه به کمتر از سه ماه و یک روز به عنوان مجازات قضایی تعیین گردد، الزاماً حکم به جایگزین صادر خواهد شد و در غیر اینصورت ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی اعتبار خود را دارا می‌باشد. همچنین این نوع از جایگزین الزامی به مثابه الزام ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی از موارد الزامی مطلق جایگزین‌ها بوده و بنابراین رعایت شرایط مواد ۶۶ و ۶۷ قانون مجازات اسلامی در این خصوص موضوعیت ندارد و اگر شخصی دارای سابقه محکومیت به بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا

۱. شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان بهارستان (استان تهران) در دادنامه شماره ۱۴۰۱۹۱۳۹۰۰۰۳۸۸۷۰۰۰ به تاریخ ۱۴۰۱/۳/۳۰ در راستای تبصره الحاقی به ماده ۳۷ ق.م.ا مجازات شخص محکوم به جرم توهین به اشخاص عادی و اخلال در نظم عمومی را مستحق تخفیف دانسته و به «مجازات جایگزین حبس و انجام خدمات عمومی رایگان به میزان صد میلیون ریال خرید مواد غذایی برای نیازمندان تحت کمیته امداد امام خمینی محکوم نموده است.» صدور رأی فوق اگرچه طبق موازین حقوقی صادرگردیده است اما بهتر بود به محکوم هزینه‌های مالی تحمیل نکند زیرا که این امر با اصول حقوقی و مبانی مجازات‌های جایگزین حبس همخوانی ندارد.

همچنین شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری شهرستان لنگرود در دادنامه صادره به شماره ۹۶۰۹۹۷۱۴۲۱۳۰۱۲۴۹ به تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۷ حکمی مشابه مستند به تبصره الحاقی ماده ۳۷ ق.م.ا صادر نموده است که از جهت عدم توجه به فصل نهم از قانون مجازات اسلامی و عدم ذکر مواد آن در رأی مورد نقد در استناد رأی قرار گرفته است. (خدادی و دیگران، ۱۴۰۱:۸۴).

شش ماه داشته باشد و از اجرای آن ۵ سال نیز نگذشته باشد، علی‌رغم ممنوعیت در ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی لکن موجبی برای عدم اعمال تبصره الحاقی ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی وجود نخواهد داشت.

۳-۱-۴. ارتکاب جرم عمدی با مجازات کمتر از ۹۱ روز در فرض عدم کیفردهی به بیش از آن تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۹۹/۲/۲۳) چنین بیان می‌نماید: «چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد.» بدین منظور برخی از نویسندگان یکی دیگر از موارد الزامی مطلق صدور جایگزین حبس را در جرایمی می‌دانند که حداقل مجازات قانونی آن‌ها، کمتر از سه ماه و یک روز حبس باشد و مبتنی بر الزام تبصره ماده ۱۸ ق.م.ا.ا اگر دادگاه جهت قانونی‌ای برای صدور حکم به بیش از حداقل نداشته باشد، ملزم به صدور حکم به جایگزین حبس خواهد بود. مانند مثال اگر شخصی مرتکب جرم خیانت در امانت موضوع ماده ۶۷۴ ق.م.ا.ا گردد با توجه به آنکه مجازات جرم مذکور سه ماه تا یک سال و نیم حبس است، اگر دادگاه جهتی برای حکم به بیش از حداقل نداشته باشد، منطبق به تبصره ماده ۳۷ ق.م.ا.ا ملزم به صدور به جایگزین حبس خواهد بود (توجهی، ۱۴۰۲: ۴۹۶).

به عقیده نگارنده، الزام به صدور جایگزین حبس منطبق بر توضیح فوق اگرچه از جهت توسعه جایگزین‌های حبس قابل ستایش است، لکن در مواجهه با نص صریح دو ماده قانونی تاب تحمل ندارد. با این توضیح که اولاً مقنن در فصل نهم از قانون مجازات اسلامی مجازات قانونی را ملاک برای اعمال جایگزین‌ها دانسته است و در اعمال ماده ۶۵ یا ۶۶ قانون مجازات اسلامی مجازات قانونی آن جرم باید در زمره جرایم درجه هشت یا هفت قرار گیرد تا مشمول حکم الزامی جایگزین گردد؛ ثانیاً در حکم مقرر در تبصره الحاقی ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی نیز مجازات قضایی تخفیف‌یافته را ملاکی برای صدور الزامی جایگزین دانسته است و الزاماً باید شرط تخفیف در آن اعمال شود و به حبس کمتر از ۹۱ روز برسد تا از موارد الزامی محسوب گردد. بنابراین اگر مجازات قانونی جرمی از درجه هفت و هشت نباشد و مجازات مقرر نیز به موجب تخفیف به حبس کمتر از ۹۱ روز نرسیده باشد، امکان قانونی صدور حکم جایگزین حبس وجود نخواهد داشت.

۳-۱-۵. ارتکاب جرم غیرعمدی با بیشینه مجازات قانونی تا دو سال حبس ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی چنین بیان می‌نماید: «مرتکبان جرائم غیرعمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس

باشد که در این صورت حکم به مجازات جایگزین حبس، اختیاری است.» با این توضیح که جرایم غیر عمدی با مجازات قانونی تا دو سال حبس نیز از موارد الزامی مطلق جایگزین حبس محسوب می‌شود. از موارد مشمول این ماده می‌توان به جرم شکسته شدن یا محو مهر و پلمپ حمل در اثر اهمال مستحفظ موضوع ماده ۵۴۳ ق.ا.م.ا اشاره نمود. ذکر این نکته ضروریست که حداقل مجازات اگر کمتر از ۲ سال بود، بدون توجه به میزان حداکثر آن مجازات حکم به کیفر جایگزین حبس الزامی است (احمدزاده و تام، ۱۴۰۲: ۱۱۵).

یکی از موضوعاتی که در نظرات قضایی نیز مورد اختلاف است، اعمال مقررات جایگزین حبس در جرایم غیر عمدی علیه امنیت کشور می‌باشد. با این توضیح که منطبق بر ماده ۷۱ ق.ا.م.ا اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در مورد جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع گردیده است. حال این پرسش به وجود آمده است که این ممنوعیت شامل جرایم غیر عمدی (مانند جرم موضوع ماده ۵۰۶ ق.ا.م.ا) نیز می‌گردد یا خیر. در نشست قضایی استان فارس (شهر استهبان) به تاریخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۱ این موضوع مورد بحث قرار گرفت. اکثریت نشست قضایی معتقدند بودند: «با توجه به اطلاق ماده ۷۱ به نظر می‌رسد بین جرایم عمدی و غیر عمدی علیه امنیت کشور از حیث ممنوعیت اعمال مقررات جایگزین حبس، تفاوتی وجود ندارد و دلیلی بر منحصر کردن ماده ۷۱ به جرایم عمدی و یا خارج نمودن جرایم غیر عمدی علیه امنیت از اطلاق این ماده وجود ندارد.» در مقابل اقلیت نیز با استدلالی بیان نموده‌اند: «دادگاه با استناد به اطلاق ماده ۶۸ می‌تواند مرتکب جرم غیر عمدی علیه امنیت کشور را در صورت وجود شرایط قانونی دیگر به مجازات جایگزین حبس محکوم نماید؛ زیرا ماده ۶۸ از مطلق «جرایم غیر عمدی» و ماده ۷۱ از مطلق «جرایم علیه امنیت کشور» بحث کرده است؛ لذا با وجود این دو اطلاق، تفسیر به نفع متهم انجام می‌شود.» اگرچه اهتمام به کیفرهای جایگزین حبس در جرایم غیر عمدی با روح این نوع از جرایم سازگارتر است، اما به نظر می‌رسد از لحاظ تحلیل حقوقی نظر اکثریت متقن است. هیأت عالی نشست‌های قضایی نیز در این خصوص نظریه اکثریت را مورد تأیید دانست.^۱

۱. توجه به دادنامه شماره ۱۱۷۷/۲۲۳۴۰۲۲۳۴۰۹۹۷۰۹۵ صادره از دادگاه تجدید نظر استان تهران در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۷ در این خصوص عاری از لطف نیست. دادگاه این چنین بیان کرده است: «در خصوص تجدید نظر خواهی آقای ب. د. از دادنامه شماره ---/۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۱۹ شعبه --- دادگاه انقلاب اسلامی تهران که متضمن محکومیت وی به اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به تحمل یک سال حبس تعزیری با ایام بازداشتی قبلی می‌باشد دادگاه نظر به مندرجات پرونده، تحقیقات معموله و اقرار مشارالیه اتهام رامحرز می‌داند لکن نظر به اظهار ندامت و فقد سابقه

۲-۳. جایگزین الزامی مشروط

مواردی که تاکنون از آن به عنوان جایگزین حبس نامبرده شد از این جهت الزام مطلق نامیده شدند که برای اعمال آن نیازی به در نظر گرفتن شروط ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی وجود ندارد. لکن دسته دیگری که به عنوان آخرین نوع جایگزین‌های الزامی شناخته می‌شوند، باتوجه به آنکه مشروط به رعایت مواردی گردیده است به عنوان جایگزین الزامی مشروط شناخته می‌شوند و در مواردی است که شخص مرتکب جرمی با مجازات قانونی درجه ۷ می‌گردد. ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی چنین بیان می‌نماید: «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد: الف) بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از صد و چهل میلیون (۱۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری ب) یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.»

*	ماده قانونی	ق.گذشت	عنوان مجرمانه	نوع کیفر
۱	ماده ۵۰۶ ق.م.ا.ت	غ.ق.گذشت	بی‌مبالاتی مأمورین دولتی در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده	یک تا شش ماه حبس
۲	ماده ۵۶۶ ق.م.ا.ت مکرر	غ.ق.گذشت	ساخت و فروش آثار تقلبی فرهنگی - تاریخی	حبس از نود و یک روز تا شش ماه
۳	ماده ۵۸۵ ق.م.ا.ت	غ.ق.گذشت	رهایی شخص توقیف‌شده توسط مرتکب یا معاون	حبس از دو تا شش ماه
۴	ماده ۶۱۹ ق.م.ا.ت	غ.ق.گذشت	تعرض یا مزاحمت به اطفال یا زنان	حبس از دو تا شش ماه
۵	ماده ۶۲۳ ق.م.ا.ت	غ.ق.گذشت	سقط جنین با دادن دارو یا وسایل دیگر	حبس از سه تا شش ماه
۶	ماده ۶۴۸ ق.م.ا.ت	ق.گذشت	افشای اسرار توسط مشاغل محرمانه	چهل و پنج روز و دوازده ساعت تا شش ماه یا جزای نقدی
۷	ماده ۶۹۲ ق.م.ا.ت	ق.گذشت	تصرف به قهر و غلبه	حبس از چهل و پنج روز تا شش ماه
۸	ماده ۷۰۱ ق.م.ا.ت	غ.ق.گذشت	استعمال علنی مشروبات الکلی ^۱	دو تا شش ماه حبس

کیفری نامبرده با استناد به مفاد ماده ۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تجدیدنظرخواه را به مبلغ پنجاه میلیون ریال جزای نقدی به عنوان جایگزین حبس تبدیل و به شرح مذکور دادنامه تجدیدنظرخواسته را تأیید و استوار می‌نماید این رأی قطعی است.»

۱. دادنامه‌های شماره ۹۸۰۹۹۷۲۶۶۴۳۰۰۴۰۰ و ۹۸۰۹۹۷۲۶۶۴۳۰۰۳۵۰ صادره از شعبه سوم دادگاه انقلاب

با بررسی در عناوین مجرمانه دارای مجازات درجه هفت از کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به شرح جدول فوق، ۸ عنوان مجرمانه وجود دارد که می‌تواند مشمول جایگزین‌های الزامی حبس مقرر در ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی گردد. با این توضیح که جرم موضوع ماده ۵۰۶ ق.ا.م.ا از آنجایی که ذیل بخش جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ذکر گردیده است، مشمول ممنوعیت مقرر در ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی می‌شود و اعداد موارد مشمول الزام مشروط خارج می‌گردد.

تجویز اعاده دادرسی در صورت عدم رعایت موارد الزامی جایگزین‌های حبس منطبق با ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز از نکات مهمی است که در دادنامه شماره ۹۱۴۳۴۴۰۰۰۹۱۴۳۴۴۰۰۰۶۳۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۴ صادره از دیوان عالی کشور به آن اشاره گردیده است و این چنین بیان نموده: «نظر به اینکه جرایم واجد مجازات حداکثر تا شش ماه حبس الزاماً می‌بایست به جایگزین حبس تبدیل گردد که در دادنامه مارالذکر به این تکلیف قانونی عمل نشده است، از این رو درخواست اعاده دادرسی آقای ... نسبت به دادنامه مارالذکر متضمن محکومیت فرافانونی‌اش به تحمل نود و یک روز حبس و به اتهام نگهداری سلاح شکاری غیر مجاز با بند چ ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری انطباق دارد.» همچنین دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۲۵۰۰۱۴۰۱ و دادنامه شماره ۱۴۰۰/۱۰/۰۶ مورخ ۱۴۰۰۰۶۳۹۰۰۰۰۷۲۷۳۳۵ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۰۵ صادره از همان مرجع مؤید موضوع است.

توجه به این نکته ضروریست در صورتی که دادگاه در جرایم درجه هفت، مجازات قانونی را از جهت تخفیف به کمتر از سه ماه و یک روز تقلیل دهد، رعایت شرایط ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی (عدم وجود سابقه محکومیت کیفری) شرط نمی‌باشد، زیرا بیان گردید در موارد پنج‌گانه الزامی، حکم به صدور جایگزین حبس مطلق بوده و منوط به رعایت شرایط ماده ۶۶ نمی‌باشد. اگرچه ممنوعیت ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی (جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور) و ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی (تعدد جرایم عمدی با مجازات قانونی بیش از یک سال حبس)^۱ بر تمامی موارد جایگزین‌های حبس سیطره دارد.

کرج، شخص متهم به استعمال مشروبات الکلی را با توجه به فقدان سابقه موثر کیفری به جایگزین حبس از نوع دوره مراقبت محکوم نموده است.

۱. دادنامه شماره ۱۲۶۷۰۱۲۲۳۰۲۲۳۳۰۹۹۷۰۹۲۰۹۲۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۷ صادره از شعبه ۲۳ دادگاه تجدید نظر استان تهران چنین بیان می‌نماید: «تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آن‌ها بیش از شش ماه حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.»

نتیجه

واکاوی مقررات جایگزین‌های حبس در پرتو نظرات دکترین و رویه قضایی، مؤید گذار سیاست کیفری ایران از «کیفرگرایی حبس محور» به «اصلاح‌گرایی جامعه‌مدار» در قلمرو جرایم خرد است. تحلیل ماهیت حقوقی جایگزین‌های الزامی نشان می‌دهد که این تأسیس، از ماهیت یک «نهاد ارفاقی» صرف خارج شده و به مثابه یک «نهاد مستقل» استقرار یافته است. مستنبط از رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در فروض الزامی، دادگاه با یک تکلیف آمره مواجه است که اجرای آن منوط به گذشت شاکی یا احراز جهات تخفیف نمی‌باشد. همچنین با تأملی بر مفهوم حبس کوتاه‌مدت و با نظری ابرازی و اصلاحی نسبت به رویکرد مقنن در قبال دایره شمول کیفرهای جایگزین حبس به نظر می‌رسد منطبق بر فراوانی مدت کیفر حبس در قوانین مدونه داخلی، کیفرهای تا درجه شش به عنوان «حبس‌های کوتاه مدت» در نظام حقوقی ایران شناخته می‌شوند و مقنن با تسری جایگزین‌های حبس تا این درجه از مجازات، می‌تواند موجب توسعه شمول نهاد کیفر جایگزین حبس به منظور بهره برداری بهتر از آن گردد.

از نگاه آسیب‌شناسی قضایی، تحلیل محتوایی نشست‌های قضایی و آرای محاکم حاکی از وجود چالش‌های تفسیری در شمولیت ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی می‌باشد و استدلال‌های حقوقی ارائه شده در این پژوهش با تکیه بر نظرات قضایی بر قابلیت انطباق برخی از مواردی ابهامی با نهاد جایگزین حبس تأکید دارد و از سوی دیگر، رویکرد صیانتی مقنن در ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی و بررسی استدلال‌های مطروحه در نشست‌های قضایی (نظیر نشست‌های استان فارس) حاکی از غلبه رویکردی است که اطلاق ممنوعیت اعمال جایگزین‌های حبس را در جرایم علیه امنیت شامل جرایم غیر عمدی نیز می‌داند.

در نهایت، اگرچه تراجم مقررات مواد مربوط به جایگزین‌های الزامی با دیگر قوانین، دایره مصادیق عملی جایگزین‌های الزامی را محدود نموده است، اما بهره‌گیری قضایی از ظرفیت تبصره الحاقی به ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی و تفسیر صحیح از مواد قانونی فصل نهم از قانون مجازات اسلامی می‌تواند راهکار قضایی مناسبی در جهت توسعه کیفرهای جایگزین باشد. لذا پیشنهاد می‌شود نظام قضایی با تمرکز بر حبس‌های درجات شش تا هشت (به عنوان حبس‌های کوتاه مدت و بسیار کوتاه مدت) و رفع تعارضات تفسیری از طریق آرای وحدت رویه تکمیلی، کارایی این نهاد را در راستای کاهش تورم جمعیت کیفری ارتقا بخشد.

منابع

فارسی

- احمدزاده، رسول و تام، مجتبی. (۱۴۰۲). آیین کیفردهی. چاپ اول، تهران: انتشارات قوه قضاییه.
- اسدی، لادن. (۱۳۹۶). آسیب شناسی اجرای مجازات های جایگزین حبس در حقوق ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (دانشکده حقوق و الهیات).
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی. چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- آشوری، محمد. (۱۳۸۲). جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین. چاپ اول، تهران: گرایش.
- توجهی، عبدالعلی. (۱۴۰۲). نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی. چاپ دوم، تهران: انتشارات قوه قضاییه.
- حاجی تبار فیروزجانی، حسن و صفاری، علی. (۱۳۹۳). مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران. تهران: انتشارات فردوسی.
- حیدری، علی مراد. (۱۳۹۶). حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- خاکسار، داوود و غلامی، حسین. (۱۳۹۷). سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس. نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم شناسی، شماره ۱۱.
- خدادی، ابوالقاسم و علی عطوف، حسین و متین پارسا، محمد. (۱۴۰۱). تحلیل آرای قضایی مرتبط با جایگزین‌های حبس. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۹۷.
- شاکری، ابولحسن و حیدری، سید مسعود. (۱۳۹۵). اعتبار حبس کمتر از ۹۱ روز در حقوق کیفری ایران. مجله آموزه‌های حقوقی کیفری. شماره ۱۱.
- شمس ناتری، ابراهیم. (۱۳۹۶). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی. تهران: انتشارات میزان.
- صفاری، علی. (۱۴۰۱). کیفرشناسی، چاپ سی و هشتم، تهران: جنگل.
- عابدی، احمدرضا. (۱۳۹۹). نگرشی کاربردی به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری. تهران: انتشارات قوه قضاییه.
- عنابستانی، مهدی. (۱۴۰۳). سیاست جنایی مشارکتی در تعیین و اجرای مجازات‌های جایگزین حبس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران.
- غلامی، حسین و خاکسار، داوود. (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری.
- متین پارسا، محمد و موذن‌زادگان، حسنعلی. (۱۴۰۱). چالش‌های سیاست جنایی قضایی در کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان. مجله حقوقی دادگستری.
- محسنی، فرید و رحیمیان، رضا، (۱۳۹۸). از کیفرگذاری تقنینی تا کیفرگذاری قضایی؛ مدل‌ها و معیارها. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۷.
- موذن‌زادگان، حسنعلی، مرادی اوجقاز، محسن. (۱۴۰۰). جایگزین شناسی کیفر حبس در آیین آرای قضایی. تهران: انتشارات مهرکلام.
- موذن‌زادگان، حسنعلی و متین پارسا، محمد. (۱۴۰۰). چالش‌های تقنینی اجرای خدمات عمومی رایگان از

- منظر قضات. مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.
- ناظرزاده کرمانی، فرناز و امامی غفاری، زینب. (۱۳۹۳). بررسی رویه و نگرش قضات دادگاه های اطفال تهران به مجازات جایگزین های حبس. فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۶۵.
 - یوسفی نژاد، نوشین و آقاجانی، محمود. (۱۳۹۶). بررسی مجازات های سنتی و نوین جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی. مجله مطالعات علوم سیاسی، شماره ۳.

آرای قضایی

- دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۰۵۰۰۴۸۱ مورخ ۱۳۹۵/۶/۳ شعبه ۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۱۴۰۱۹۱۳۹۰۰۰۳۸۸۷۰۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۳/۳۰ شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان بهارستان.
- دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۱۴۲۱۳۰۱۲۴۹ مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۷ شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری شهرستان لنگرود.
- دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۳۴۰۱۱۷۷ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۷ صادره از دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۶۶۴۳۰۰۴۰۰ شعبه سوم دادگاه انقلاب کرج.
- دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۶۶۴۳۰۰۳۵۰ شعبه سوم دادگاه انقلاب کرج.
- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۱۲۶۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۷ شعبه ۲۳ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۱۴۰۰۰۶۳۹۰۰۰۰۹۱۴۳۴۴ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۴ صادره از دیوان عالی کشور.
- دادنامه شماره ۱۴۰۰۰۶۳۹۰۰۰۰۷۲۷۳۳۵ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۶ صادره از دیوان عالی کشور.
- دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۲۵۰۰۱۴۰۱ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۰۵ صادره از دیوان عالی کشور.
- دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۱۵۰۲ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۸ شعبه ۶۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۱۹۰۱۳۱۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۸ شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۹۱۵۰۱۱۲۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۸ شعبه ۷۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۹۱۱۰۰۶۸۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۹ شعبه ۲۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۲۱۱۴۸۰۱۱۷۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۲۴ شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران.
- دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۸۲۵۵۱۷۰۰۰۴۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۱۳ شعبه ۶۳ دادگاه تجدید نظر استان تهران.